



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز میتوانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.



www.azizibank.af

1515



د ارزگان پخوانی امنیه قوماندانان ۵ میلیونه افغانی فساد کړی



"ارزگان کې د پولیسو مرمی پلورل کېږي، د پولیسو تیل غلا کېږي، د هغوی معاشات شخصي جېبو ته لویږي ځکه ناامني زیاته شوې او خلک پر دولت بې باوره شوي دي."
دا په داسې حال کې ده چې په تېر څه باندې یوه کال کې ۷ تنه د ارزگان ولایت د امنیه قوماندانانو په توګه ټاکل شوي دي.
په ورته وخت کې د ارزگان ولایت پخوانی امنیه قوماندان ولي جان سرحدی پرځان لګیدلي تورو په بې ځایه بولي؛ وایي، کوم ۱۲ پولیس یې چې له تشکیلې ایستلي هغه خیالي پولیس وو او دا کار یې د والي، ملي امنیت د رئیس او نورو دولتي چارواکو سره په مشوره کړی.

۶ صفحه



انتخابات آینده، تجربه تلخ تر از گذشته

۲ صفحه



ترامپ

۶ صفحه

کابل خوش بین است

ترامپ و چند انتظار از او

۲ صفحه

ترامپ با افغانستان چه خواهد کرد؟



هرچند امریکا بازیکن مهم جهانی در افغانستان می‌باشد؛ اما از نگاه ژئوپولیتیکی امریکا در تأمین امنیت آینده افغانستان کمترین نقش را به عهده دارد و در مرحله اول کشورهای همسایه افغانستان است که باید در این راستا تلاش نمایند و هر نوع کوشش برای خارج نگهداشتن این بازیکنان از صحنه سیاسی افغانستان کوتاه نظری خواهد بود. بزرگترین چالش دیپلوماسی امریکا در افغانستان تشکیل یک ائتلاف واقعی می‌باشد که تمام اعضای آن خواهان تشکیل یک افغانستان با امنیت و با ثبات باشند که بتواند از نگاه حکومتداری متکی بخود باشد و توانایی دفاع از خود را داشته باشد

۳ صفحه



با کارت‌های فعلی پای صندوق نرویم!

ریاست اجرایی:

بیشتر از نفوس کشور کارت توزیع شده است

مسوولان در نهادهای جامعه مدنی و ناظر بر انتخابات می‌گویند، رفتن به طرف انتخابات با کارت‌های فعلی، بی‌اعتمادی مردم به حکومت و کمیسیون انتخابات را بیشتر می‌سازد.
آنان هم‌چنان بر این باور اند که عامل اصلی تقلب در انتخابات‌های گذشته، موجودیت کارت‌های رأی‌دهی فعلی است و کمیسیون‌های انتخاباتی "مقل کل" نیستند و باید در مشوره با مردم، احزاب سیاسی، جامعه مدنی و رسانه‌های کار کنند.

به گفته فعالان مدنی و ناظران انتخاباتی، یکی از عوامل اصلی تقلب در انتخابات‌های گذشته، موجودیت کارت‌های فعلی بود و کمیسیون اصلاحات در نظام انتخاباتی نیز به حکومت پیشنهاد باطل شدن این کارت‌ها را داده بود.
این گفته‌ها در حالی ابراز می‌گردد که به تازه‌گی رییس کمیسیون مستقل انتخابات اعلام کرده است که انتخابات پشوری پارلمانی و شوراهای ولسوالی‌ها با کارت‌های رأی‌دهی کنونی برگزار می‌گردد

۳ صفحه

انتخابات آینده، تجربه تلخ تر از گذشته



براساس برخی گفته ها ریاست جمهوری به شدت در پی آن است که ریاست دارالانشای کمیسیون به فردی سپرده شود که این نهاد تعلق خاطر و تمایل تیمی داشته باشد. اگر چنین شود، بدون شک انتخابات آینده نه تنها که مثل انتخابات گذشته با تقلب و جعل کاری برگزار می شود، بلکه شاید بیشتر از آن با فساد و تقلب آلوده شود. ریاست جمهوری بدون شک نمی خواهد که انتخابات آینده به دور از نفوذ و خواسته های این نهاد برگزار شود. حتی برخی اعضای فعلی مجلس می گویند که آن ها اطلاعاتی در اختیار دارند که ریاست جمهوری خواهان برگزاری انتخابات هم نیست و شاید تا زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آینده مجلس نماینده گان هم چنان به کار خود ادامه دهد. در همین حال این نکته را هم نباید فراموش کرد که حتی اگر انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی در سال آینده برگزار شود، باز به دور از دخالت های ریاست جمهوری برگزار نخواهد شد. در طول پانزده سال گذشته این به یک فرهنگ معمول تبدیل شده که ریاست جمهوری در کار انتخابات دخالت کند و شماری از افراد خود را از راه تقلب و جعل کاری از ولایت های کشور وارد مجلس سازد تا در موجودیت آن ها نقش پررنگ تری در تصمیم گیری های مجلس نماینده گان داشته باشد. اما سوالی که مدیران کشور از آن تا به امروز غفلت کرده اند، نقش مردم در انتخابات بوده است. آیا آن ها فکر می کنند که در انتخاباتی که گمان تقلب و جعل کاری به دلیل عدم وارد کردن اصلاحات در آن بالا باشد، مردم هم چنان با قبول خطرهای که می تواند آن ها را تهدید کند، به پای صندوق های رای خواهند آمد؟ این سوال به نظر می رسد که تا حال پاسخی ندارد ولی این احتمال بسیار زیاد است که مشارکت در انتخابات آینده به دلیل عدم اعتماد مردم به نتایج آن بسیار کمتر از چیزی باشد که دولت آن را تخمین کرده است.

جناح دیگر که عمدتاً در سایه تقلب های سازمان یافته و دخالت های مدیران پیشین کمیسیون های انتخاباتی به قدرت رسیده است و اتفاقاً قدرت اصلی را نیز در اختیار دارد، به هیچ صورت خواهان اجرای توافقنامه سیاسی و از جمله وارد کردن اصلاحات در نظام انتخاباتی کشور نیست. این مساله از همان روزهای نخست آغاز بحث ها در مورد اصلاحات انتخاباتی مشخص بود و با گذشت هر روز خود را بیشتر از پیش نشان می دهد. ریاست اجراییه کشور که خود را متضرر اصلی نوع مدیریت انتخابات ریاست جمهوری گذشته می داند تلاش های را برای ایجاد اصلاحات در نظام انتخاباتی صورت داده که هرچند موثر بوده ولی به هیچ وجه کافی نبوده است. ریاست اجراییه باید بیشتر از این ها برای اصلاح نظام انتخاباتی در کشور مساعی به خرج می داد و حداقل شرایطی را فراهم می ساخت که انتخابات با توزیع شناسنامه های الکترونیکی دستکم از کابوس کارت های رای دهی که می شود به ساده گی با آن ها تقلب کرد، نجات می یافت. براساس آمار رسمی همین حالا بیشتر از بیست میلیون کارت رای دهی در کشور از سوی کمیسیون انتخابات توزیع شده و رقم تعداد کارت های رای که در بیرون کشور و در کشورهای همسایه برای تقلب در انتخابات چاپ شده اند، شامل نمی شود. اگر قرار باشد کل کارت های رای دهی موجود در کشور را بخواهیم تخمین کنیم شاید رقمی بیشتر از کل جمعیت ساکن در افغانستان باشد. با توجه به این مساله چگونه ممکن است که انتخابات آینده به دور از سایه تقلب و جعل کاری صورت گیرد، آن هم وقتی که تمایلات جناحی و تیمی در کمیسیون های انتخاباتی نیز از آن حمایت کند؟ از طرف دیگر ریاست اجراییه می بایست که نقش پررنگ تری در گزینش اعضای کمیسیون های انتخاباتی بازی می کرد و به ویژه متوجه دارالانشای کمیسیون انتخابات می بود که یک بار دیگر امر خیل دیگری در آن راه پیدا نکنند.

براساس آن چه کمیسیون انتخابات اعلام کرده، انتخابات آینده بدون توزیع شناسنامه های الکترونیکی و با همان کارت های قبلی برگزار خواهد شد. این خبر به محض انتشار به واکنش های تند و شدید برخی نهادها و افراد خبره در مسایل انتخاباتی رو به روشد. مجلس نماینده گان این اقدام را مغایر شفافیت در انتخابات دانست و از کمیسیون انتخابات و حکومت خواست که اقدام های جدی و عملی را برای توزیع شناسنامه های الکترونیکی انجام دهد. فضل احمد معنوی رییس پیشین کمیسیون انتخابات ضمن مخالفت با این اقدام کمیسیون نوع گزینش اعضای کمیسیون های انتخاباتی را نیز سوال برانگیز خواند. آقای معنوی گفت که مدیران تازه کمیسیون های انتخاباتی از زمانی که وارد این کمیسیون ها شده اند، هیچ برنامه جدی برای برگزاری انتخابات شفاف و عادلانه اعلام نکرده اند. به گفته آقای معنوی افراد تازه به جای این که در پی حفظ استقلال و سلامت انتخابات آینده باشند، بیشتر خود را به نهاد ریاست جمهوری وابسته احساس می کنند. این مسایل سبب شده اند که موجی از نگرانی ها در جامعه به وجود آیند. حالا بسیاری ها این سوال را از خود دارند که واقعا اقدام های دولت تا به حال در جهت اصلاح نظام انتخاباتی بوده و دولت می خواهد انتخابات آینده به دور از تقلب ها و جعل کاری ها برگزار شود و یا نه؛ بل تمام این اقدام ها فقط روپوشی بوده است برای اغفال اذهان عمومی و ایجاد یک نوع فضای کاذب برای دستکاری و احتمالاً تأثیر گذاری در انتخابات آینده. این دغدغه حالا کل فضای جامعه را مشبوع کرده و همه جا سخن از تعهداتی است که دولت وحدت ملی در راستای اصلاح نظام انتخاباتی در آغاز ایجاد خود سپرده بود. مشکل اساسی اینجاست که از میان دو جناح موجود قدرت در کشور یکی آن که بیشترین صدمه را از نتایج انتخابات گذشته متقبل شده، تمایل بیشتری برای انجام اصلاحات گسترده و همه جانبه در کمیسیون های انتخاباتی است ولی

سخن ماندگار

ترامپ و چند انتظار از او

امروز، اولین روزی است که یک بارزگان و ورزش کار معروف امریکایی، به عنوان رییس جمهوری امریکا کارش را در کاخ سفید آغاز کرده است. دونالد ترامپ که در یک انتخابات پر سرو صدا به ریاست جمهوری امریکا رسید، در واقع مسوولیت جنگ با تروریسم و نیز طولانی ترین جنگ خارجی تاریخ امریکا را، اما در افغانستان به عهده می گیرد. او در شرایطی رییس جمهوری امریکا می شود که جهان در یک وضعیت متفاوت از گذشته قرار گرفته است و افغانستان در امتداد این وضعیت، دارد به سمتی به پیش می رود که هیچ کسی نمی داند کجاست. در این حال حضور رییس جمهور تازه با مشخصات متفاوتی که از او به معرفی گرفته شده است، نظرهای متفاوتی را در افغانستان برانگیخته است. هنوز مردم در افغانستان نمی دانند دو نالد ترامپ که می گویند که زود قهر و عصبی است با رییس جمهور غنی که نیز زود قهر و عصبی است، چه خواهد کرد. اما پیداست که روابط هر دو رییس جمهوری بالاتر از روابط فردی و بر بنیاد یک سلسله توافق نامه ها و داشتن یک سند امضا شده استراتژیک نظامی است که به پیش می رود. از طرف دیگر، رییس جمهور غنی، هرچه عصبی شود بر سر ماموران خودش هست و قطعاً در برابر رییس جمهور امریکا متواضع خواهد بود و بالعکس. اما آنچه که برای مردمان این کشور اهمیت دارد این است که امریکای زیر امر دونالد ترامپ، چه برخوردی با این جنگ طولانی تاریخ امریکا و جنگ جهان در برابر تروریسم خواهد داشت. زیرا هنوز افغانستان برای امریکایی ها یک هدف است و به نظر نمی رسد که دو نالد ترامپ نیروهای باقی مانده امریکایی را از افغانستان خارج کند. در جنگ افغانستان حالا نسبت به گذشته پیچیده گی هایی ایجاد شده است؛ چنانکه حالا تروریسم طالبانی به گونه آشکار برای برخی ها به عنوان ابزار تطبیق سیاست خارجی، برای برخی های دیگر انتخاب گزینه بد در برابر بدتر و نیز برای برخی های دیگر یک سرگرمی و درآمد است. اما برای امریکا این جنگ به حیثیت و آبرو تبدیل شده است. بسیاری ها باور داشتند که با آمدن او با ما امریکایی ها از افغانستان می روند و دامن جنگ هم به گونه یی بر چیده خواهد شد؛ زیرا دمکرات ها نرم تر از جمهوری خواهان اند و این گونه وضعیت فرق می کند؛ اما برعکس دیدیم که هشت سال دوران او با ما که خارج شدن صد هزار سرباز امریکایی را از افغانستان در پی داشت، مثل دوران جورج بوش جمهوری خواه در افغانستان بود و نیز حالا هم برخی ها باور دارند که ترامپ به این جنگ برخورد متفاوت خواهد داشت و نیروهایش را از افغانستان بیرون خواهد کرد و یا هم با نظامی گری شدید کار جنگ را یکسره خواهد ساخت. بازم باور ما این است که وضعیت متفاوت تر از گذشته است و ترامپ نمی تواند کار را یک سره کند. زیرا دورنمای روابط خارجی امریکا در کل یکی است و فقط گروه ها سلیقه ها و رویه های متفاوتی را برای رسیدن به آن روی میز قرار می دهند. به هرصورت؛ جمهوری خواهان میراث دار جنگی اند که همین حزب در افغانستان راه انداخت و حالا هم طی سال های دیگر به آن دست و پنجه نرم خواهند کرد. اما انتظار این است که آقای ترامپ نگاهش را به افغانستان از زاویه نگاه های غیر واقعی و دیزاین شده بیرون بکشند و باید امریکا در این یکو نیم دهه حضور در افغانستان به واقعیت های اصلی دست یافته باشد. مردم افغانستان انتظار دارند که امریکا بعد از این باید جنگ را فشرده سازد و پاکستان را زیر فشار قرار دهد تا در راهبر منطقه یی اش که از دل افغانستان می گذرد، انعطاف نشان دهد و نیز امریکا باید از روند واقعی دمکراسی و رای مردم در افغانستان حمایت کند و همکار متقلبان نشود تا مردم بتوانند به سرنوشت شان با رای شان حاکم شوند. اگر این کار شد بقیه کارها هم درست می شود.

ترامپ

با افغانستان چه خواهد کرد؟



مطرح نیست و این به نفع روسیه هم نمی‌باشد که بحران افغانستان را بیشتر شعله ور بسازد؛ اما روسیه با طالبان شاید تبادلۀ معلومات و ارتباط دپلوماتیک داشته باشد تا به مقابل دشمن مشترک یعنی داعش از آن‌ها استفاده کند.

نشریه ژئوپولیتیک فوجیر نیز در مورد گفته است که برعکس روسیه نمی‌تواند حالات افغانستان و آینده آن را نادیده بگیرد، زیرا افغانستان در سرحدات جنوبی آن موقعیت دارد و روسیه از این هراس دارد که بحران افغانستان به کشورهای آسیای میانه هم سرایت خواهد کرد. در تمام این ماجرا یک چیز قابل توجه است که ژئوپولیتیکس روسیه را مجبور ساخته است از جنگ با جهادپست‌ها به اتحاد با آن‌ها بپردازد.

از طرفی هم، اخیراً دخالت روسیه در افغانستان و همکاری با طالبان نگرانی‌ها شدید شرکای بین‌المللی افغانستان از جمله امریکا را برانگیخته است، هرچند این دخالت جدید نیست؛ اما نزدیکی روسیه با طالبان نو می‌باشد. روس‌ها مشکلاتی را که در دوره‌های گذشته در افغانستان تجربه کرده‌اند فراموش نمی‌کنند، اما اکنون روسیه برای بلند بردن موقف خود در معامله با امریکا و تقویه امنیت منطقه باید با طالبان یک نوع ارتباط داشته باشد.

این در حالیکه که اخیراً بعضی از رسانه‌ها می‌گویند، روسیه با طالبان نزدیک شده و حتی آن‌ها را حمایت می‌کند. هرچند هیچ سندی وجود ندارد که روسیه به طالبان اسلحه داده باشد، اما موضوع اسلحه آنقدر

این نظریه جدید ترامپ همزمان با ارسال ۳۰۰ سرباز قوای بحری امریکا به ولایت هلمند علایمی می‌باشند که حکومت بعدی امریکا هم تعهدات خود را برای تأمین ثبات در افغانستان ادامه خواهد داد. پس از گسترش ناامنی‌ها در ولایت جنوبی هلمند امریکا ۳۰۰ مرد تفنگدار تازه نفس را در این ولایت مستقر گردانید.

هرچند امریکا بازیکن مهم جهانی در افغانستان می‌باشد؛ اما از نگاه ژئوپولیتیک امریکا در تأمین امنیت آینده افغانستان کمترین نقش را به عهده دارد و در مرحله اول کشورهای همسایه افغانستان است که باید در این راستا تلاش نمایند و هر نوع کوشش برای خارج نگهداشتن این بازیکنان از صحنه سیاسی افغانستان کوتاه نظری خواهد بود. بزرگترین چالش دپلوماسی امریکا در افغانستان تشکیل یک ائتلاف واقعی می‌باشد که تمام اعضای آن خواهان تشکیل یک افغانستان با امنیت و با ثبات باشند که بتواند از نگاه حکومتداری متکی بخود باشد و توانایی دفاع از خود را داشته باشد.

نشریه دپلومات گزارش داده است که نظر و برنامه رییس جمهور منتخب امریکا در رابطه با افغانستان روشن نیست. دونالد ترامپ رییس جمهور منتخب امریکا که دیروز جمعه (۲۰ جنوری) مراسم تحلیف را برگزار کرد و قدرت را رسماً از بارک اوباما رییس جمهور پیشین این کشور تسلیم شد تا هنوز برنامه روشن در مورد افغانستان ندارد.

آقای دونالد ترامپ در یک مصاحبه در سال ۲۰۱۲ گفته بود که ایالات متحده باید سربازان خود را از افغانستان خارج کند و دل‌راهی که به افغانستان کمک می‌کند را برای بازسازی امریکا به مصرف برساند. اما، بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد که ترامپ تاوان ژئوپولیتیک این نظریه خود را درک کرده و در صحبت با رییس جمهور افغانستان محمد اشرف غنی در ۲ دسمبر تعهدات امریکا را به افغانستان تکرار کرده است. در صحبت تلفونی آقای ترامپ با غنی روی نگرانی‌ها و چالش‌های امنیتی تمرکز کرده و در مبارزه با تروریسم وعده همکاری سپرده است.

با کارتهای فعلی پای صندوق نرویم!

ریاست اجرایی:

بیشتر از نفوس کشور کارت توزیع شده است

روح‌الله بهزاد

مسوولان در نهادهای جامعه مدنی و ناظر بر انتخابات می‌گویند، رفتن به طرف انتخابات با کارتهای فعلی، بی‌اعتمادی مردم به حکومت و کمیسیون انتخابات را بیشتر می‌سازد.

آنان هم‌چنان بر این باور اند که عامل اصلی تقلب در انتخابات‌های گذشته، موجودیت کارتهای رأی‌دهی فعلی است و کمیشنران کمیسیون‌های انتخابات "عقل کل" نیستند و باید در مشوره با مردم، احزاب سیاسی، جامعه مدنی و رسانه‌های کار کنند.

به گفته فعالان مدنی و ناظران انتخاباتی، یکی از عامل‌های اصلی تقلب در انتخابات‌های گذشته، موجودیت کارتهای فعلی بود و کمیسیون اصلاحات در نظام انتخابات نیز به حکومت پیشنهاد باطل شدن این کارتهای را داده بود.

این گفته‌ها در حالی ابراز می‌گردد که به تازه‌گی رییس کمیسیون مستقل انتخابات اعلام کرده است که انتخابات پشروی پارلمانی و شوراهای ولسوالی‌ها با کارتهای رأی‌دهی کنونی برگزار می‌گردد.

محمد یوسف رشید، رییس نهاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان یا فیفا در گفت‌وگو با روزنامه ماندگار می‌گوید: اگر کمیسیون انتخابات با کارتهای فعلی به طرف انتخابات برود، گلم انتخابات جمع شده و اعتماد نهایی که مردم به حکومت وحدت ملی و کمیسیون انتخابات داشتند هم از بین می‌رود.

آقای رشید می‌افزاید: در انتخابات‌های گذشته برجسته‌ترین عاملی تقلب و بی‌نظمی انتخابات، کارتهای فعلی بود. مدیران انتخابات آینده اگر پیشنهاد ناظران داخلی و بین‌المللی را در نظر نگیرند، به معنای این است که به توقعات مردم پشت پا زده‌اند.

آقای رشید تأکید می‌کند که یکی از پیشنهاد‌های کمیسیون اصلاحات انتخاباتی به حکومت و کمیسیون انتخابات، عدم کارایی و باطل شدن کارتهای فعلی بود، با این حال، اگر ما تجربه تلخ گذشته را بازم تکرار کنیم، فاتحه دموکراسی و انتخابات را باید خواند.

رییس نهاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان با اشاره به این‌که کمیسیون انتخابات باید پروسه انتخابات را از انحصار یک نهاد بیرون کند، گفت: انتخابات پروسه ملی است و باید مردم‌محور باشد. حکومت کمیسیون انتخابات را متوجه سازد که اگر نابسامانی در انتخابات رخ دهد، مسوولان آن به دادگاه معرفی خواهند شد.

محمد یوسف رشید که عضو کمیته گزینش کمیشنران جدید کمیسیون‌های انتخابات نیز بود، در پاسخ به این پرسش که آیا کمیشنران تازه کمیسیون انتخابات توانایی آن را دارند تا مستقلاً کارهای‌شان را انجام دهند، اظهار داشت: "مدیران کمیسیون‌های فعلی تجربه انتخابات‌های گذشته را دارند و

پیش‌شرط است، قرار نیست که انتخابات را در شرایطی برگزار کنیم که بار دیگر در سایه تقلب وسوءاستفاده‌ها برگزار شود و یکبار دیگر کشور، سیاست و روند سیاسی را به بحران ببریم."

آقای رحیمی تصریح کرد که برای آوردن اصلاحات در نظام انتخابات حکومت متعهد است و قبل از به میان آمدن اصلاحات، هیچ عجله‌یی برای برگزاری انتخابات، ندارند.

در عین حال، اعضای مجلس نمایندگان در آخرین نشست عمومی‌شان گفتند، برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی‌ها با کارتهای رأی‌دهی فعلی، یک اشتباه بزرگ است و کمیسیون مستقل انتخابات باید در این زمینه تجدید نظر کند.

آنان هم‌چنان تأکید کردند که کارتهای رأی‌دهی موجود، انتخابات گذشته ریاست جمهوری را با مشکل مواجه ساخت و باید کمیسیون انتخابات براساس مدرک قابل اعتماد انتخابات آینده را برگزار کند.

نماینده‌گان مردم در پارلمان، برگزاری انتخابات با کارت رأی‌دهی موجود را فاقد مشروعیت خواندند و تأکید کردند که از این تصمیم کمیسیون انتخابات چنین بر می‌آید که این کمیسیون توان برگزاری انتخابات را به زودی ندارد.

سه‌ماه مهلت هم‌زمان با این، یک عضو کمیسیون انتخابات اعلام کرده که این کمیسیون سه‌ماه مهلت دارد تا با ارایه برنامه‌های کاری خود، زمان برگزاری انتخابات را اعلام کند.

رفیع‌الله بیدار، عضو کمیسیون انتخابات اظهارداشت که اعلام تقویم انتخاباتی نیازمند مقدماتی است که در صورت برآورده شدن آن‌ها به اطلاع همه‌گان می‌رسد.

او افزود: همکاری و مشاوره با طرف‌های مرتبط با انتخابات، کارتهای رأی، تهیه فهرست رأی‌دهنده‌گان همچنین مراکز رأی‌گیری و دیگر حمایت‌های تدارکاتی نیز زمان برگزاری انتخابات را تعیین می‌کند.

بیدار تصریح کرد که کمیسیون انتخابات سه‌ماه فرصت دارد تا برنامه‌های کاری خود را ارایه کند.

این عضو کمیسیون انتخابات گفته است که در این زمان کوتاه، دستور کارهای این کمیسیون بازنگری شده، توازن حوزه‌های انتخاباتی مشخص شود، هم‌چنین ۲۱ میلیون کارت رأی و فهرست دقیق رأی‌دهنده‌گان نیز تهیه شده و فهرست دبیرخانه این کمیسیون به دولت نیز پیشنهاد شده است.

اعضای تازه کمیسیون‌های انتخابات درحالی برگزیده شدند که انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۳ به بحران کشیده شد و در پی آن و با پادرمیانی وزیر امور خارجه امریکا، حکومت وحدت ملی ایجاد گردید.

در توافق‌نامه‌یی که منجر به ایجاد حکومت وحدت ملی گردید، طرف‌های امضا کننده آن وعده سپردند در نظام انتخابات اصلاحات به میان خواهند آورد تا به واسطه این اصلاحات، برگزاری انتخابات شفاف و بدون تقلب در کشور تضمین گردد.

حالا که ظاهراً اصلاحات تنها در انتخاب کمیشنران کمیسیون‌های انتخاباتی خلاصه شده است، چنین می‌نماید که این کمیشنران نیز از صلاحیت چندانی برخوردار نیستند و با محافظه‌کاری، می‌خواهند ساختار فعلی کمیسیون انتخابات را که به باور بسیاری از کارشناسان و ناظران انتخابات افغانستان، ساختار ناکارآمد است، حفظ و براساس آن انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی‌ها را برگزار کنند.



بتواند یک نظام جدیدی انتخاباتی به‌ویژه ساحات رأی‌دهی را مشخص‌سازد تا اشخاص واجد شرایط در همان حوزه‌ها رأی بدهند.

واکنش ریاست اجرایی

در پی اعلام کمیسیون انتخابات مبنی بر این‌که با کارتهای فعلی به‌سوی انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی‌های می‌رویم، ریاست اجرایی در نشست خبری در واکنش به این اظهارات گفت، برگزاری انتخابات با کارتهای موجود رأی‌دهی روند انتخابات را به‌سوی بحران و تقلب می‌برد.

مجیب‌الرحمن رحیمی، سخنگوی ریاست اجرایی هم‌چنان بیان داشت که به هیچ‌کس اجازه داده نمی‌شود که زمینه سوءاستفاده در کمیسیون‌های انتخاباتی را فراهم سازد.

آقای رحیمی تأکید کرد که برگزاری انتخابات با کارتهای فعلی انتخابات را قطعاً به طرف بحران و تقلب می‌برد و در این زمینه باید یک میکانیسم و سازکار جدید روی دست گرفته شود. او گفت که کمیسیون‌های گذشته بیشتر از نفوس افغانستان کارت توزیع کرده بودند.

سخنگوی ریاست اجرایی اذعان داشت که در امر برگزاری انتخابات حکومت وحدت ملی متعهد است و هیچ‌گونه مانعی فرا راه آن وجود ندارد.

او گفت: "آوردن اصلاحات بنیادین در نظام انتخاباتی یک

می‌تواند با مشورت با احزاب سیاسی، جامعه مدنی، جامعه جهانی، اپوزیسیون و هم‌چنان رسانه‌ها، دیدگاه مردم را رصد کرده مطابق به خواست مردم کار کنند."

او گفت: "کمیشنران کمیسیون‌های انتخابات عقل کل نیستند که بی‌اعتنا به مردم، احزاب سیاسی، جامعه مدنی و رسانه‌ها در بین خود تصمیم بگیرند و به‌طرف انتخابات بروند."

در این حال، عزیز رفیعی، رییس مجتمع جامعه مدنی افغانستان می‌گوید: حکومت وحدت ملی فضای اعتمادی را که باید ایجاد می‌کرد، نکرده است و با وضعیت گذشته نیز احیا نمی‌گردد.

آقای رفیعی در ادامه سخنانش گفت: اگر قرار باشد به سیستم سابقه و کارتهای سابقه به طرف انتخابات برویم، در واقع هم به فساد گذشته مَهر تأیید گذاشته‌ایم و هم فضای اعتمادی را که باید کمیسیون انتخابات باید ایجاد می‌کرد و نتوانست بازم ناتوان باقی خواهد ماند.

به گفته رییس مجتمع جامعه مدنی افغانستان: "رفتن به طرف انتخابات با کارتهای گذشته و سیستم سابقه، بی‌اعتمادی و بی‌باوری نسبت به حکومت و کمیسیون انتخابات بیشتر می‌شود."

آقای رفیعی بر این باور است که حکومت هنوز فرصت دارد تا هم در مورد شناس‌نامه‌های برقی اقدام کند و هم

عبدالمنان دهباز

بازی‌های کشورهای غربی، امروز مسلمان‌ها را واداشته است که ظاهراً برای راهیابی از دام آن‌ها تلاش نمایند؛ به همین دلیل جذب نیروهای افراطی و تندرو می‌شوند که این نیروها همچنان از سوی همان قدرت‌ها، به‌ویژه از سوی استخبارات انگلیس و ایالات متحده آمریکا ساخته و پرداخته شده‌اند. اما شبکه‌های استخباراتی آمریکا از چنان ظرفیت بالایی برخوردارند که به قول یکی از رؤسای سازمان سیا «در بهترین حالت می‌توانیم جنبش‌های اسلامی را طوری به نفع خویش سازمان‌دهی کنیم که حتی خودشان هم نفهمند». به همین دلیل بود که آمریکا هم دست به ایجاد خطرناک‌ترین و تسامح‌ناپذیرترین گروه‌ها در جهان اسلام زد و هم برای مقابله با آن‌ها دست و آستین بر زد. در این کار، آمریکا دو مقصد را دنبال می‌کرد: یکی این‌که کشورهای جهان را با خود همنا کرد تا شعار برتری‌طلبی جهانی خویش را جامعه عمل بپوشاند و همچنان زمام‌داران کشورهای اسلامی را طوری هماهنگ نمود که با زیر فرمان آمریکا زنده‌گی کنند و یا حذف سیاسی و مرگ را انتخاب نمایند. این بازی‌های وحشتناک غرب، جهان اسلام را در موقعیتی قرار داد که با امریکایی شدن را بپذیرند و یا نیستی را، با این تفاوت که این امریکایی شدن هم در وجود همه شهروندان یک سرزمین تحقق نمی‌یافت، بلکه اقلیت آدم‌ها می‌توانستند از نوکری با آمریکا بهره ببرند. افغانستان پس از طالبان، یکی از بهترین نمونه‌های آن به شمار می‌رود. آمریکا در دوران جنگ سرد از بنیادگرایی به عنوان برنده‌ترین سلاح علیه کمونیسم در جهان اسلام استفاده کرد. وقتی که کمونیسم توسط این نیروی خداداد به زانو درآمد، «دیدگاه مزبور تقویت شد و بسیاری از افراد را در غرب پیشرفته ترغیب کرد که باور

بخش پنجم

کنند بنیادگرایی دینی، به‌ویژه بنیادگرایی اسلامی، جایگزین مارکسیسم به عنوان خطر اصلی برای نظم جهان شده است» (هی‌وود: ۴۹۶). وقتی کارت سبز آمریکا در برابر کارت سرخ کمونیسم در جهان موفق از آب بیرون شد، برای آینده آمریکا به کارت سرخ مبدل گردید. در همین برهه از تاریخ بود که نظریه برخورد تمدن‌ها نخست از سوی برنارد لوئیس در سال ۱۹۵۶ و بعداً به عنوان دکترین استراتژیک آمریکا از سوی ساموئل هانتینگتون در سال ۱۹۹۳ مطرح شد و جهان اسلام را وارد بازی خطرناکی کرد؛ بازی‌یی که هیچ کس آینده استخوان‌سوز آن را پیش‌بینی نمی‌کند. به هر تقدیر، شمار کثیری در جهان مدرن باورمند بودند که دیگر این جهان جایی برای نفس کشیدن بنیادگرایی و تندروی نیست. شکست ناپذیر بلوک کمونیسم در جهان به این ادعا قوت بخشید که در بالاترین فاز آن به «پایان تاریخ» تعبیر شد؛ چون کمونیسم هم به تمام معنا، در بستر افراط‌گرایی قدم می‌زد، یعنی هر مکتبی که نسبت به یک راه و آرمان تعهد بلاقید و شرط داشته باشد، و هیچ‌گونه نقد، ایراد و اشکالی را در شأن آن آرمان نداند، ره به افراط و تندروی می‌گشاید؛ مسیری که کمونیسم پیمود. یکی از مهم‌ترین دلایل مذموم پنداشتن و جدی نگرفتن بنیادگرایان در جهان معاصر این است که آن‌ها اگر روزگاری از حوزه شعار و پیکار به حوزه عمل و استقرار دست یابند، با بن‌بست مواجه می‌شوند، به‌ویژه در حوزه دولت‌داری. به قول «اندروهی‌وود» محدودیت‌های [نقاط ضعف] بنیادگرایی هنگامی کاملاً آشکار خواهد شد که بنیادگرایان بتوانند قدرت را به‌دست آورند و آن‌گاه با وظایف دشوار حکومت کردن روبه‌رو شوند (هی‌وود: ۵۳۸)؛ راهی که رژیم طالبان در افغانستان پیمود.



تعریف سیاست

محمد مجید عبدالمهی

مفهوم سیاست

واژه سیاست ریشه در زبان عربی دارد و از ساس، سیوس اخذ شده است. کلمه سیاست در زبان عربی به معنای مختلفی به کار رفته است. به عنوان نمونه:

- ۱) سست الرعیته سیاسته. یعنی رعیت را سیاست کردم. سیاست کردن در این جمله وقتی به کار می‌رود که رعیت را به کاری امر و یا نهی کرده باشند.
- ۲) سوس فلان امورالناس: صیر ملکا و ملک علیهم. یعنی فلانی امور مردم را سیاست کرد؛ یعنی مالک و صاحب‌اختیار مردم شد و مقدرات آن‌ها را به‌دست گرفت.
- ۳) ساس السلطان و الوالی الرعیته. یعنی: سلطان و والی رعیت را سیاست نمود. یعنی کارهای رعیت را سرپرستی و تدبیر نمود. هم‌چنین در فرهنگ فارسی کلمه سیاست به معنی حکم راندن بر رعیت و اداره کردن امور مملکت، حکومت کردن، ریاست کردن، حکومت، ریاست حکم‌داری عدالت و داوری نیز آمده است.

از طرف دیگر، دانش‌واژه سیاست را به‌طور مفصل در فرهنگ و پیش‌عهد باستانی و سیر تحول آن را در مسیرهای تاریخی نیز باید جست‌وجو نمود. تفکر سیاسی در عهد باستان و در غرب از یونان آغاز شد، اما علم سیاست به عنوان یک رشته آموزشی عالی تا حدی نو است و طی صد سال گذشته رشد یافته است. پیش از آن بررسی و توجه پی‌گیرانه سیاست در انحصار شهریاران، سیاست‌مداران، فیلسوفان و حقوق‌دانان بود. مردم در امور عمومی نقش نداشتند و به سیاست و نظریه‌پردازی سیاست (سیاسی) هم چندان نمی‌پرداختند. با پیدایش دموکراسی نو و ناسیو نالیسم، انحصار علم سیاست به پایان رسید و سیاست کاری همه‌گانی شد. گسترش آموزش و پرورش به رشد فزاینده آگاهی سیاسی توده‌های مردم انجامید و از این راه مردم روز به روز بیشتر در جریان‌های سیاسی شرکت کردند. دیگر هیچ سیاست‌مدار یا متفکری نمی‌توانست بی‌توجه به مردم باشد. افکار عمومی اهمیت زیادی یافت و بنابراین نه تنها حکومت‌ها بلکه گروه‌های سازمان‌یافته و احزاب سیاسی کوشش‌های زیادی کردند تا بر آن تأثیر گزارند. اجتماعات و تظاهرات گسترده، مشخصه جریان‌های سیاسی شد. تشکیلات حزبی رو به کمال گذاشت تا در انتخابات ادواری مبارزه را تا پیروزی پیش‌برد و در دوره میان انتخابات برای حزب هواداران بیشتر تبلیغات گسترده را امکان‌پذیر گرداند. تنها از این راه احزاب سیاسی توانسته‌اند به قدرت سیاسی دست یابند، برنامه‌های خود را عملی کنند و امکان دموکراتیک شدن فزاینده سیاست عملی را فراهم آورند. این وضعیت را نظریه سیاسی نمی‌تواند نا دیده بگیرد؛ بنابراین امروز گفته می‌شود که هم اقتدار سیاسی به مردم تعلق دارد و قدرت سیاسی هم باید در راستای منافع توده‌ها عمل کنند. نظریه سیاسی اینک در واقع به سنجش و ارزیابی نهادهای گوناگون سیاسی می‌پردازد تا دریابد آیا این نهادها قادرند منافع مردم را تأمین کنند یا نه. امروز پرداختن به نظریه سیاسی، دیگر کاری برای اوقات فراغت عده‌یی فارغ از غم نان نیست، بلکه کار همه کسانی است که به آن علاقه دارند و می‌خواهند به نظریه‌پردازی سیاسی بپردازند تا جریان‌های سیاسی را تبیین کنند. اما در بررسی‌های سیاست‌ها و در مطالعه علم سیاست دشواری بزرگی وجود دارد. همان‌طوری که پلینک به روشنی گفته است هیچ علمی به اندازه علم سیاست نیازمند دانش‌واژه‌های دقیق نیست...

از بنیادگرایی تا تروریسم



۱ خلاصه فیلم

مرد مدرنی که در بیداری و خواب دچار کابوس است. آدم چند لایه، بی‌نام و پریشان. توت‌توت و گسیخته. من‌های متفاوتش با رفتارهای متفاوت و متناقض. مغروق در سکوت مزمن و تنهایی مرگبار. کابوس مردی که در اتاق و کوچه به دنبال هیچی و پوچی سرگردان و زندانی دایمی در حصار درونی. انسانی که شیوه تفکرش برایش ثمری نداده، گریزان از رابطه با اشیا و آدم‌ها. پاهای ذهن آشفته‌اش نمی‌توانند با چرخه زمان هم‌آواز شوند. عشق و اروس بیمار. آنسوی خط سکوت، بازهم برایش تداوم خط‌خورده‌گی و سکوت است؛ خطی که خواننده نمی‌شود، سکوتی که هرگز به صدا نمی‌آید. مسافت بین کله و مکالمه، صد حفره. نعل آویزی و خودکشی‌های تاریخی. یأس حنجره و گسیخته‌گی من‌ها و رشد از خود بیگانه‌گی و سقوط نهایی در گودال سیاه و مدور.

۲ مدخل

سینمای افغانستان از روی خاکستر بالا شده و در وضعیت‌هایی که هیچ حامی و امکانی در دسترس ندارد، به اتکای عشق و همت شخصی، به حرکت و خلاقیت ادامه می‌دهد. خطه‌یی که حتی نوارهای فیلم‌های سیاه‌وسفیدش آذین‌بند درختان گشته بود، اینک از روی توت‌های گوشت بنی‌آدم دوباره برمی‌خیزد و فیلم می‌سازد. در پانزده سال پسین، بیشتر از هر زمانی به تولید فیلم پرداخته‌ایم، انبوهی از فیلم‌ها را داریم، اما متناسب به این بازار آشفته و مازاد کالا. نقد فیلم کم داریم، نقدی که آثار خلاقه و متفاوت را برای آگاهی تماشاگران و رشد جریان سینما، نقد و حلاجی نماید. حُب و بُغض همان عیوبی است که نقد و تحلیل را از ما گرفته است. نقد فیلم، تکانه‌یی برای رشد منتقد، فیلم‌ساز و تماشاگر است. اگر در پشت یک فیلم متفاوت، یک یا چند تا نقد و بررسی قرار نگیرد، تم اساسی، لایه‌های عمقی و ارزش‌های درونی آن پنهان می‌ماند. مخاطب عام از فیلم سرگرمی و لذت می‌طلبد و چشم‌انداز تنش‌ها و گوش‌هایش هیجان‌ها را تعقیب می‌کنند؛ اما مخاطب خاص و حرفه‌یی، فُرم و دگرگونی‌های تکنیکی و خلاقه را نیز مد نظر دارد. فیلمی که در فضای ویژه با پیچیده‌گی‌ها و عرق‌ریزی‌های فراوان به سامان می‌رسد، مستلزم نقد و نوشتن است.

به تعبیر بکت "فیلم، تسلسلی از تصاویر با محتوای بصری" است. خصیصه اصلی فیلم، حرکت متداوم صحنه‌هاست. تماشاگر فرصت زیادی ندارد تا دربارهٔ سکانس‌هایی که به سرعت می‌گذرند، با تأمل طویل بیندیشد. میل به لذت، در حین تماشا، از اندیشیدن جلوگیری می‌کند. منتقد فیلم، مسؤولیت دارد که با تماشای چندبارهٔ فیلم و با یادداشت‌برداری از سکانس‌ها، از یک سو مخاطبین عام را تکان بدهد و از سوی دیگر، با کاربرد روش‌های تازه و استفادهٔ تلفیقی از نظریه‌های کلاسیک و امروزی، زمینه را برای رشد سینما و فیلم‌سازی فراهم سازد. ما قلم‌بدستان از بد حادثه، تنبل و بی‌تفاوت بار آمده ایم. اگر از جامعهٔ فرهنگی پرسیده شود که "بر برخی از فیلم‌هایی که حتی جوایز سترگ جهانی را از خود کرده اند، چند تا نقد نوشته اید؟" پاسخ «هیچ» است. ما با کمبود نقد و به‌خصوص نقد فیلم مواجه هستیم. نوشتار، در درون کلهٔ تاریخی ما به حرکت و خلاقیت نیفتاد، پندار نیک به کردار نیک تبدیل نشد، پندار از دل مکالمه فوران نرزد، مقدس شد و بر تاق عابد و معابد آویزان ماند. اندیشه در بیشت کله‌ها و کنش‌های ارتباطی سنگگ شد. سکوت، شکست و غفلت تاریخی، آفتی است که کمرهٔ فیلم آنسوی خط سکوت، در دالان‌های سیاه و سفید، به دنبال آن به حرکت افتاده است.

فیلمی که افکار و احساسات بیننده را دچار بحران و کشمکش نماید، فیلمی که روح تماشاگر را با

نقد فیلم آنسوی خط سکوت



تأثیرات سمعی و بصری متأثر نسازد، فیلمی که با ابهامات و گسست‌هایش در ذهن مخاطب تکانه و مسأله ایجاد نکند، با تمام جاذبه‌هایش در زمرهٔ فیلم‌های تفریحی و سرگرم‌کننده به حساب می‌آید. اما فیلم آنسوی خط سکوت در کجای این دغدغه‌های هنری قرار دارد؟

۳ آنسوی خط سکوت

آنسوی خط سکوت، بازی با سایه و نور، بازی با آوا و موسیقی طبیعی، بازی با گذشته و حال، بازی با گردش پا و کمره، بازی با مقاطعه و مغزله و سرانجام، بازی با شکست و تنهایی است، و این بازی‌ها در کیفیت سینمایی‌اش ارایه شده‌اند. فیلم در خط علیتی سیلان ندارد. بعد از عین، غین نمی‌آید. صحنه‌ها تعلیقی و گسسته‌اند. اشیا و آدم‌ها در دایرهٔ ارتباط فرامنتقی حرکت می‌کنند. فیلم دربارهٔ شخصیت کلیدی، معلومات لازم را ارایه نمی‌کند، چون نمی‌خواهد پیام روشن و مشخصی را بر مخاطب بقبولاند. فیلم داستانی و مکالماتی نیست، شخصیت‌ها و حوادث بیوگرافی و نام ندارند. بی‌هویت و گیج. مردِ مبهوتی را که ستون فیلم است، از روی کتاب، لباس و تابلوهایش حدس می‌زنیم که شخص تحصیل‌یافته و روشن‌فکر است. متفکری که در سفر اولیس‌وار خود، نمی‌تواند به دوختن کفن نقطهٔ پایان بگذارد. زمان را به تعویق می‌اندازد تا پیوسته کفن بدوزد. قدرتِ اندیشیدن و خندیدن را ندارد. منفعل، مفلوج و مترسک. سوگوار، سرگردان و مالخولیبا.

سکوت و تنهایی، در فضای بی‌گفت‌وگو، به‌وسیلهٔ تصاویر به بیان می‌آیند. اغواشده‌گی و از خود بیگانه‌گی نیم‌قرنهٔ معاصر، بی‌پاسخ در زمان حال سرازیر مانده‌اند. فقر صدا و فقدان مکالمه، همان زخم‌های کهنه‌یی است که خود را در سقوط ارزش‌ها به شکل عریان‌تر نشان می‌دهد. گسیخته‌گی و آشفته‌گی، در سرتاسر فیلم جاری‌ست. سیاهی فیلم با غرش‌های سپیدش، محتوای مبهم و زیستن در گذشتهٔ مجهول را به نمایش می‌گذارد. همه چیز در درونِ مرد اتفاق می‌افتد. مرد با خود و آرمان‌های خود درگیری دارد، کشاکشی که مرد را از حنجره و پای انداخته است. موضوعی که در این فیلم مد نظر است مطرح شود، در حیطهٔ دال‌ها و نشانه‌ها می‌ترکد و آن‌قدر هول‌انگیز می‌شود که حتی مطرح‌شده‌ها را نیز می‌بلعد.

رسمیت نمی‌شناسد. بی‌زنگی مدهش در سراسر فیلم مستولی‌ست. سوال برانگیز است که در ربع اول قرن بیست‌ویکم چگونه یک فیلم جدی، به طریق سیاه و سفید تولید می‌گردد؟

۴ فُرم فیلم

آنسوی خط سکوت، از فُرم‌هایی نیست که از ایدهٔ "یکپارچه‌گی" منشاء گرفته باشد. حسی که در صحنه‌ها می‌جوشد، حسی است که از "تشتت" و گسسته‌گی فوران می‌زند. فُرمی که از شاخه‌هایش محتوای روشن پایین نمی‌ریزد، در وادی یأس، معضله و مسأله را مطرح می‌کند. زیباشناسی مدرن بر محور "وحدت" و "تناسب" عناصر به سامان می‌رسد، از آمیخته‌گی حساب شده و موزون بصری و سمعی منشاء می‌گیرد. دغدغهٔ فُرم، چگونه ساختن و چگونه گفتن است، نه چه چیزی را ساختن و گفتن. محتوا هرچه باشد، اگر در فُرم تازه ارایه نشود، مضمون، بی‌ارزش می‌ماند. از بازی هنرپیشه تا حرکت کمره از نور و موسیقی تا چگونه‌گی بافت سکانس‌ها، در تأسیس فُرم نقش دسته‌جمعی ایفا می‌کنند. فُرم هر فیلم منوط به طرز نگاه و توانمندی سناریست، کارگردان، بازیگر و فیلم‌بردار است. فیلم آنسوی خط سکوت، آن‌گونه که در خط علیتی و عادت‌ی جریان ندارد، فُرم خود را نیز تابع قطعه‌قطعه‌شده‌گی و عدم تناسب کرده است. وحدت و موزونی کلاسیک و مدرن در این فیلم وجود ندارد. فیلم به لحاظ فُرم، فراتر از مرزهای ساختاری در فضای کشمکش‌های درونی و گاه سوررئال شکل می‌گیرد. فُرم است که زیبایی را می‌آفریند. تماشای نعلش و خودکشی، بالذات، نه زیباست و نه لذت‌بخش. اما اگر این پدیده‌ها با تکنیک، هنر و افکت‌های تازه، بازنمایی شوند، به آفرینش زیبایی منتهی می‌گردند و مرز بین زشت و زیبا فرو می‌پاشد. زشتی و زیبایی مربوط به موقعیت گیرنده است.

کابوس مرد به دور لباس غربی، تابلوهای قرن نوزدهمی و ریش سنتی می‌چرخد. برای تثبیت خود، بر زمین تُف خون‌آلود می‌اندازد. نبرد نیم‌قرنهٔ عدالت‌خواهی، برایش غسل و ماحصل ندارد، انرژی‌اش به هدر رفته و تلاش‌هایش در حوض یأس ریخته است. کتاب‌هایش کهنه و دل‌زده شده و تابلوهایش بدون تأثیرگذاری بر سپیدای عیث چارمیخ مانده‌اند. من مخیله‌اش آمادهٔ مردن است. مرد، از همه چیز بریده شده، در درون زبان، جامعه و فرهنگ احساس بیگانه‌گی می‌کند. نه خودش زبان دارد و نه زبان دیگران را می‌فهمد. من نمادینش مطرود مانده و از همه چیز گریخته است. در جست‌وجوی من واقعی در آتش صحنه‌های مالخولیایی شناور است. مردی که شکست را در حصار تنهایی به سوگ می‌نشیند، با زبان که خانهٔ هستی‌ست بیگانه‌گی دارد، هرگز نمی‌تواند در جست‌وجوی هستی‌شناسی خود و پدیده‌ها جاری باشد. شخصیت کلیدی، پروتاگونیستی است که اتناگونیست در برابرش حضور ندارد و حتا جسد او را نیز در ذهن خود دفن کرده است. شخصیتی که صدا در حنجره‌اش به بغض منزوی و مطروده تبدیل گشته است، بین کله و کلمات، صد گودال حفر می‌کند. همین که می‌خواهد کلمه‌یی را ادا کند، به یکی از حفره‌های ذهنی می‌افتد.

این فیلم، عصارهٔ خود را در وجود یک شخص ریخته است؛ شخصی که به فردیت نرسیده و این سوژه خودش به ابژه بی‌زبان تبدیل شده است. هر قدر چُرت می‌زند که کیست، هنوز هم در لادرکی و هیچی عمیق‌تر فرو می‌غلتد. فیلم، میدان کشمکش بین سنت و تجدد، معرکه‌یی بین حرکت به پیش و گرایش به عقب و مردن است. نه قصه‌گو از عشق قصه می‌گوید و نه راوی روایتی از زیستن سر می‌دهد. نه به دیالوگ روی می‌آورد و نه به مونولوگ تن می‌دهد. نه مانند صدای "ک" در محاکمه و نه مانند صدای سامسا در زیر تخت، دون‌کیشوت سوگوار، غرق در عزای مستمر آن‌قدر در خود می‌ماند تا چندین بار می‌پوسد. فیلم، نه راه‌حل نشان می‌دهد و نه به پیام‌دهی روشن‌فکرانه سیلان می‌یابد. زنجیره‌یی از تعلیق‌های متناسب است که تاریکی را بر تاریکی و تعلیق را بر تعلیق می‌افزاید. مایل است که مانند اشعهٔ ایکس، برخی از لایه‌های درونی ایده‌ها و پدیده‌ها را به گونهٔ غیرمستقیم روشن کند. صحنه‌ها از هفت‌خوان خون می‌گذرند. به استثنای چادر سرخ، دیگر رنگ‌ها را به



طرح دیگر در برابر شناسنامه‌های برقی

۵ میلیونه افغانی فساد کړی د ارزگان پخواني امنیه قوماندان

چارواکي وايي په ارزگان ولايت کې فساد خپل اوج ته رسېدلی او ولايتي اداره يې مخه نه شي نيولای.

په ولسي جرگه کې د ارزگان د خلکو استازي عبدالله بارکزي ازادې راډيو ته وويل چې د ارزگان ولايت مخکني امنیه قوماندان مل پاسوال ولي جان سرحدي په دغه ولايت کې د خپلې دندې پر مهال د خيالي پوليسو په نوم پوليس له تشکيله ايستلي او د هغوی معاشات يې له خانه سره وړي چې شاوخوا ۵ ميليونه افغانیو ته رسېږي.

نوموړي له مرکزي دولته وغوښتل چې دغه موضوع په جدیت وڅېړي او په فساد کې د ښکېلو کسانو سره قانوني چلند وکړي. ښاغلي بارکزي زياته کړه:

"ارزگان کې د پوليسو مرمی پلورل کېږي، د پوليسو تيل غلا کېږي، د هغوی معاشات شخصي جيبو ته لوېږي ځکه نامنمي زياته شوې او خلک پر دولت بې باوره شوي دي."

دا په داسې حال کې ده چې په تېر څه باندې يوه کال کې ۷ تنه د ارزگان ولايت د امنیه قوماندانانو په توگه ټاکل شوي دي.

په ورته وخت کې د ارزگان ولايت پخوانی امنیه قوماندان ولي جان سرحدي پر ځان لگېدلي تورونه بې ځايه بولي؛ وايي، کوم ۱۲ پوليس يې چې له تشکيله ايستلي هغه خيالي پوليس وو او دا کار يې د والي، ملي امنيت د رئيس او نورو دولتي چارواکو سره په مشوره کړی.

سرحدی زياته کړه:

"د هغه ۱۲ سوه پوليسو معاشات موږ د تشکيل مطابق حواله کړي دا زما لاسته راوړنه وه چې ۵ ميليونه افغانی د خلکو له لاسونو راوگرځېد او د دولت خزاني ته اضافه شوي."

هاخوا بيا هغه يو شمېر پوليس چې د مخکني امنیه قوماندان ولي جان سرحدي له لوري د پوليسو له لیکو ايستل شوي وايي چې له تېرو څو مياشتو راهيسې د جگړې په لومړي کښه کې دي خو تر اوسه معاشونه نه دي ورکول شوي.

يو شمېر پوليسو ازادې راډيو ته وويل:

"نوم مي ولي داد دی د پوستي قوماندان يم ۱۲ کسه پوليس لرم له ۵ مياشتو راهيسې دولت موږ ته معاش نه دی راکړی شپه او ورځ په جگړه بوخت يو.

- زما نوم محمد دی، څلور کاله کېږي چې په دولت کې پوليس يم؛ شپه ورځ د جگړې په لومړي کښه کې د وسله والو طالبانو سره جگړه کوم خو دولت مي خيالي پوليس بولي."

د يادونې وړه چې څو ورځې وړاندې د کورنيو چارو وزارت د پلان او ستراتيژي برخې معين هم ارزگان ته تللی و څو په دغه ولايت کې د پوليسو په لیکو د اصلاحاتو ترڅنک د امنيتي وضعيت ارزونه وکړي.

شدن این طرح در مجلس نمایندگان ضرورت نیست.

آقای باهر از شناسنامه‌های ورقی موجود به عنوان "فرم دیموگرافی" یاد می‌کند و می‌گوید در حقیقت افغانها اکنون یک شناسنامه کاربردی ندارند.

او می‌گوید چندین گزینه برای توزیع این شناسنامه‌های کتابچه‌ای وجود دارد؛ یا یک برنامه ملی شده و تعویض شناسنامه‌های ورقی به گونه سراسری انجام شود، یا تنها به داوطلبین شناسنامه‌های کتابچه‌ای داده شود و یا تنها به کسانی که شناسنامه را جدیداً به دست می‌آورند. به گفته وی، در مورد این گزینه‌ها بعداً تصمیم گرفته خواهد شد.

طرح توزیع شناسنامه‌های کتابچه‌ای در حالی روی دست گرفته شده است که توزیع شناسنامه‌های الکترونیکی در این کشور هنوز مشخص نیست و به تعویق افتاده است. اگرچه مسوولین دلیل آن را فنی می‌خوانند اما بسیاری به این باورند که با این موضوع برخورد سیاسی می‌شود.

شناسنامه شهروندان سال‌ها است که به صورت غیرمعیاری در روی یک ورق کاغذ عادی چاپ و توزیع می‌شود. بنابر آمارها کمتر از نصف شهروندان افغانستان هنوز شناسنامه ندارند.

آگاهان معتقد هستند که برخی از چهره‌های سیاسی به دلایل مشخص، مانع توزیع تذکره‌های برقی می‌شوند. آنان این چهره‌ها را مخالف منافع و مصالح افغانستان می‌دانند و باور دارند که با روش‌ها و ترفندهای مختلف تلاش می‌ورزند از توزیع تذکره برقی جلوگیری نمایند. مردم می‌گویند این افراد به خاطر منافع فردی و گروهی خویش بزرگترین پروسه ملی و سرنوشت‌ساز را به بند کشیده اند.



وی می‌گوید که هدف این طرح، جلوگیری از جعل در شناسنامه‌های ورقی است. جعل در شناسنامه‌های ورقی سبب شده که در چند سال اخیر حتی شناسنامه‌های توزیع شده جدید، برای بعضی کارهای رسمی نیازمند به تأیید دوباره این اداره باشند.

به گفته وی، شناسنامه‌های کتابچه‌ای از لحاظ امنیتی و کیفی بهتر می‌باشد و چندین نشانه امنیتی دارد که جعل آن را بسیار مشکل می‌سازد.

آقای باهر می‌گوید به اساس این طرح، شناسنامه‌های کتابچه‌ای هشت صفحه‌ای بوده و معلومات شخص در آن به زبان‌های فارسی، پشتو و انگلیسی می‌باشد.

او افزود که این طرح اکنون در مرحله ابتدایی قرار دارد و برای تأیید شدن و نظرخواهی به ریاست جمهوری، ریاست اجرایی و شورای امنیت ملی افغانستان سپرده شده است.

به گفته وی، از آنجا که تنها تغییر در کیفیت شناسنامه‌ها می‌آید نه معلومات آن، به تأیید

در پیوند به جلوگیری از توزیع تذکره برقی، روز یک طرح و برنامه ارایه می‌شود. به تازه‌گی اداره ثبت احوال نفوس کشور طرح توزیع شناسنامه‌های کتابچه‌ای را به ریاست جمهوری پیشنهاد کرده است.

این درحالی است که بحث درباره چگونگی توزیع و طرح شناسنامه‌های برقی است و همه انتظارها این است تا این سند ملی به مردم توزیع شوند. زیرا مجلس نمایندگان طرح توزیع شناسنامه را نزدیک به ۳ سال پیش تصویب کرده بود و آقای غنی آن را توشیح نموده است و باید توزیع آن عملی شود.

اما حالا اداره توزیع شناسنامه‌های برقی به جای شناسنامه برقی از توزیع شناسنامه‌های کتابچه‌ای سخن می‌گوید. زمري باهر، رییس تئیت هويت در اداره ثبت و احوال نفوس در گفت و گو با بی‌بی‌سی ابزار امیدواری کرده است که طرح توزیع تذکره‌های کتابچه‌ای که جایگزین شناسنامه‌های ورقی می‌شود مورد تأیید قرار گیرد.

هارون مجیدی

دونالد ترامپ با انجام مراسم تحلیف، رسماً به عنوان ۴۵ رییس‌جمهور ایالات متحده امریکا آغاز به کار کرد. آقای ترامپ دپروژ جمعه مراسم تحلیف را به جا آورد. او به اتحاد و یکپارچه‌گی ایالات متحده امریکا تأکید ورزید.

دولت افغانستان از آمدن ترامپ به کاخ سفید خوش‌بین است و باور دارد که در جریان مأموریت او روابط کابل-واشنگتن گسترش می‌یابد.

سخنگویان حکومت وحدت ملی می‌گویند که با آمدن اداره جدید در ایالات متحده امریکا، همکاری‌ها میان کابل و واشنگتن بیشتر از پیش گسترش خواهد یافت. به گفته آنان، حکومت افغانستان از اداره جدید امریکا به رهبری دونالد ترامپ می‌خواهد بالای کشور پاکستان فشارها را افزایش داده و در مبارزه با تروریسم مصمم‌تر از پیش، عمل کند.

هارون چخانسوری، سخنگوی ریاست‌جمهوری حکومت وحدت ملی می‌گوید که روابط افغانستان و امریکا استوار به منافع مشترک و تهدیدهای مشترک می‌باشد. آقای چخانسوری که پنجشنبه در یک نشست خبری صحبت می‌کرد، گفت: در تماس تلفنی که رییس‌جمهور غنی با آقای ترامپ داشت و اضافه‌تر از ۲۰ دقیقه طول کشید، روی مسایل مهم صحبت شده است.

ارگ ریاست‌جمهوری افغانستان اعلام کرده بود که آقای غنی، به‌تاریخ ۱۲ فوس سال جاری با آقای ترامپ تلفنی گفت‌وگو کرده است.

آقای غنی در این تماس رابطه کابل و واشنگتن را بر مبنای منافع مشترک استراتژیک دو ملت استوار دانست و افزود که انتظار می‌رود که این رابطه در دوره ریاست‌جمهوری آقای ترامپ بیش از پیش تقویت و توسعه یابد.

او گفته که مبارزه مشترک افغانستان و امریکا در برابر تروریسم، واشنگتن را به عنوان شریک بنیادین و محوری مردم افغانستان مبدل کرده است.

آقای ترامپ هم گفته که منابع طبیعی افغانستان قابل ملاحظه است و دولت او آماده است که به مردم و دولت افغانستان برای استفاده مؤثر در این عرصه کمک کند. رییس‌جمهور امریکا گفته که افغانستان ظرفیت مناسبی برای توسعه اقتصادی داشته و منابع طبیعی این کشور می‌تواند از عناصر کلیدی این امر محسوب شود.

هم‌چنان مجیب‌الرحمن رحیمی، سخنگوی ریاست اجرایی با اشاره به گفت‌وگوی رییس‌جمهور پیشین امریکا با مسوولان حکومت وحدت ملی و ادامه

ترامپ آمد کابل خوش‌بین است



پاکستان در مبارزه با تروریسم در منطقه است. "رحیمی با اشاره به موقف ترامپ در زمان کارزارهای انتخاباتی‌اش در برابر پاکستان و حضور چهره‌های کارکرده در افغانستان در کابینه‌اش، افزود که امیدوار هستیم اداره جدید امریکا با درک خوب‌تر و روشن‌تر از وضعیت نظامی در افغانستان داشته باشد.

باراک اوباما، رییس‌جمهور پیشین امریکا در آخرین تماس تلفونی با رهبران حکومت وحدت ملی افغانستان از تلاش‌های رهبری کشور برای مبارزه با فساد و ایجاد حاکمیت قانون قدرانی کرد و از آنان خواست تا به همکاری برای گسترش وحدت ملی و صلح پایدار ادامه دهند.

کاخ سفید با انتشار اطلاعیه‌ی گفته است در این تماس تلفونی که روز چهارشنبه هفته گذشته انجام شد، آقای اوباما ضمن قدرانی از همکاری‌های کابل-واشنگتن، از مسوولان حکومت وحدت ملی خواست که به همکاری برای گسترش وحدت ملی و حمایت از صلح و ثبات

همکاری‌ها میان دولت امریکا و افغانستان گفت که مهم‌ترین خواست رهبری حکومت وحدت ملی از دولت جدید ایالات متحده امریکا این است که با استفاده از نفوذی که آن کشور بر پاکستان دارد، این کشور را وادار به عدم حمایت از تروریسم و گروه‌های تروریستی کند. آقای رحیمی در بخش دیگر از سخنانش گفت که حکومت افغانستان از اداره جدید امریکا به رهبری دونالد ترامپ می‌خواهد بالای کشور پاکستان فشارها را افزایش بدهد.

آقای رحیمی افزود که روابط بین کابل و واشنگتن بر اساسات و بنیادهای محکم استوار است که توافق‌نامه استراتژیک و قرارداد امنیتی میان دو کشور وجود دارد و هردو کشور قربانی‌ها و فداکاری‌های زیادی را در امر مبارزه با تروریسم انجام داده‌اند.

سخنگوی ریاست اجرایی که در یک نشست خبری صحبت می‌کرد، گفت: "امیدوار ادامه این همکاری با امریکا هستیم و یکی از لازمه‌های همکاری، فشار بالای

پایدار در این کشور ادامه دهند.

آقای اوباما هم چنین از تلاش‌های رهبری افغانستان برای مبارزه با فساد و ایجاد حاکمیت قانون قدرانی کرد.

دعوت نشدن مسوولان حکومت وحدت ملی در مراسم تحلیف ترامپ

یکی از موضوعاتی در چند روز پسین گپ و گفت‌های زیادی را در میان شهروندان و تحلیل‌گران به‌میان آورده، دعوت نشدن مسوولان حکومت وحدت ملی در مراسم سوگند آقای ترامپ است و این مورد بسیاری از آگاهان را به این باور رسانده است که این کار نشان‌گر تضعیف روابط میان واشنگتن و کابل خواهد شد.

اما سخنگویان حکومت وحدت ملی اعلام می‌کنند که دعوت نشدن مسوولان حکومت در مراسم تحلیف آقای ترامپ، تأثیری روی روابط دو کشور نخواهد داشت و سفیر افغانستان در واشنگتن به نمایندگی از رهبران حکومت در این مراسم شرکت می‌کند.

هارون چخانسوری، سخنگوی ریاست‌جمهوری حکومت وحدت ملی می‌گوید که دعوت از سران کشورها برای شرکت در مراسم سوگند وفاداری رییس‌جمهور جدید امریکا در تفاهم آن کشور وجود ندارد.

به گفته آقای چخانسوری، برگزاری مراسم تحلیف ریاست‌جمهوری موضوع داخلی آن کشور است. سخنگوی ریاست‌جمهوری گفت که پیش از این در مراسم سوگند وفاداری باراک اوباما، نیز از سران حکومت افغانستان دعوت نشده بود.

مجیب الرحمان رحیمی، سخنگوی ریاست اجرایی حکومت وحدت ملی نیز می‌گوید، دعوت نشدن افغانستان در مراسم سوگند وفاداری رییس‌جمهور امریکا، کدام تأثیری روی روابط کابل-واشنگتن ندارد. آقای رحیمی خاطر نشان کرد که دعوت از سران کشورها برای شرکت در مراسم تحلیف ریاست‌جمهوری در امریکا عرف نیست.

رحیمی گفت که در این مراسم سفیر افغانستان در واشنگتن به نمایندگی از رهبران حکومت شرکت می‌کند.

وزارت خارجه افغانستان در مورد دعوت نکردن امریکا از افغانستان برای شرکت در مراسم سوگند وفاداری رییس‌جمهور امریکا تا هنوز اظهار نظر نکرده است. گفتنی است که دونالد ترامپ، رییس‌جمهور جدید امریکا بعد از مراسم سوگند وفاداری، کارش را به‌عنوان چهل و پنجمین رییس‌جمهور امریکا در کاخ سفید کرد.

فیسبوک نامه

عبدالكبير صالحی



چند روز پیش نوشتیم که دانشگاه نقطه آغاز عقلانیت و آزادی است که با تقدس زدایی و تابوشکنی، معنا می یابد. یکی از دوستان فیس بوکی به این یادداشت من واکنش نشان داده و سختم را از مصادیق محاربه با الله و رسول قلم داد کرده است. من ضمن این که به عنوان یک مسلمان معتقد، از محاربه با الله و رسول اظهار برائت می کنم، چند نکته ذیل را برای وضاحت بیشتر مطلب قابل یادآوری می دانم:

۱- کنش گران دانشگاهی (استاد/دانشجو) باید در عالم اندیشه بین دو مقام نظر و عمل تفکیک قابل شوند. ما به عنوان کنش گز دانشگاهی می توانیم در مقام عمل انسان های معتقد و پای بند و ملتزم به یک آیین باشیم. اما در مقام نظر نمی توانیم به بهانه تقدس، از نقد باورها و معتقدات خود اجتناب کنیم؛ زیرا که در مقام نظر، مقدس ترین مقدس ها و تابو ترین تابوها قابل بررسی و بازشناسی ناقده اند. تفکیک این دو مقام را می توان در داستان حضرت ابراهیم (ع) به خوبی نشان داد. آن حضرت در مقام عمل، انسان معتقدی بود که باور داشت خدا می تواند مرده گان را دوباره زنده کند، اما در مقام نظر، هنوز به این باور خود به صورت عینی، تجربی و محسوس اطمینان حاصل نکرده بود و شک و تردیدهایی در دل او خلجان می کرد. به همین خاطر از خدا خواست که شماری از مرده گان را در برابر دیدگان او زنده کند تا او قدرت خدا را عیان و نمایان ببیند: **وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أُولَئِمُتُؤْمِنٌ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي.**

۲- این داستان نمادین، بیان گر این نکته دقیقه است که انسان ها در هر جایگاهی باید نسبت به باورها و پیش انگاره های خود به دیده شک و تردید بنگرند و برای کشف حقیقت، پیوسته در تلاش و کنکاش باشند. ما بسیاری از باورهای خود را به ارث می بریم و از رهگذر انتخاب آزاد، شناخت دقیق و بررسی عمیق به دست نمی آوریم. ما شیعه ایم، چون نیاکان ما شیعه بوده اند، سنی ایم چون در خانواده یی سنی مذهب چشم به دنیا گشوده ایم، مسلمانیم چون در کشوری مسلمان نشین زاده شده ایم. محض این که نیاکان ما به یک آیین پایبند و ملتزم بوده اند، حقانیت آن آیین را ثابت نمی سازد. ما باید خود در جهت راستی آزمایی باورها و پیش انگاره های خود تلاش و کوشش به خرج دهیم.

۳- یکی از محدود جایی که فرصت راستی آزمایی باورهای مان را میسور و میسر می سازد دانشگاه است. دانشگاه کانون تولید معرفت علمی است، نه سنگر دفاع از داعیه های راست کیش باورانه و پیش انگاره های ایدئولوژیک. معرفت علمی جز از رهگذر شک، نقد و آزاداندیشی تولید نمی شود. ما برای این که به حقیقت یک پدیده پی ببریم، باید در نخستین گام نسبت به آنچه از قبل درباره پدیده مذکور می دانستیم شک کنیم، سپس دانسته های خود را در ترازوی نقد و سنجش بگذاریم و آزادانه و فارغ از هر محدودیت اعتقادی و ایدئولوژیک، درباره آن بیندیشیم و غور و بررسی کنیم که آیا دانسته ها و باورهای پیشین ما راست و درست بوده است یا بهره یی از حقیقت نداشته است؟

۴- ما توجه به نکات فوق، من هنوز هم معتقدم که دانشگاه با تقدس زدایی و تابوشکنی "در مقام نظر" معنا می یابد و دانشگاهی که اندیشه های متنوع و باورهای متنوع را بر نمی تابد و باب تفکر ناقده را مسدود می کند، دیگر به هیچ وجه مظهر عقلانیت و آزاداندیشی نیست، بلکه سنگر جزمیت و راست کیشی است.

آریاژاد آژیر



استاد عین الدین نصر، مربی، هم دم و استاد بزرگوارم با دروغ و درد، درگذشت.

استاد نصر از سرمایه های بسیار بزرگ دانشکده ادبیات کابل و در واقع متعهدترین سیمای دانشی در میان استادان دانشگاه در سرزمین ما بود. استاد، تمام عمر شریف شان را وقف خدمت به زبان فارسی کرده در حصه و واژه آفرینی، زبان منحصر به فرد داشت.

استاد نصر در قسمت ترتیب رتبه های نظامی، ملکی و علمی، کارهای بایسته یی انجام داده که برای بار نخست، رتبه های علمی استادان دانشگاه از «دانش نیش» به جای پوهیالی تا «دانشمند» به جای پوهاند، توسط این جانب در سال ۱۳۸۶ که در آن روزگار عهده دار مجله یی بودم، نشر شد.

استاد عین الدین نصر، آثار قلمی مهم و پژوهش های ارزشمندی دارد که اغلب آن ها در زمان حیات شان بنا به اعتراضی که نسبت به کاربرد اجباری نام ها و رتبه های علمی به یک زبان داشت، هرگز منتشر نشد! در یکی دو اثری که من از استاد به دسترس دارم، فقط نام مولف بدون در نظر داشت رتبه علمی به نام عین الدین نصر چاپ شده است.

دقیق به یاد دارم، زمانی که نام رتبه های علمی و اکادمیک را از سوی ایشان نشر می کردم، پرسیدم: استاد رتبه علمی تان را بفرمایید تا به عنوان پیش وند نام تان ذکر شود. فرمودند: فقط عین الدین نصر بنویسید... کمتر اتفاق می افتاد که به دانشگاه کابل بروم و استاد را ملاقات نکنم، باری در تابستان ۱۳۹۳ میزبان استاد بودم که با دو فرزند گرامی شان به خانه ما تشریف آورده بودند، روز خوبی بود و ما حرف های زیادی از ایشان آموختیم.

در گذشت استاد نصر یک ضایعه بزرگ دانشی و فرهنگی است که پُرساختن جای او به این زودی ها محال است. استاد مردی نهایت استوار و نجیب و متعهد بود، او زحمات زیادی را در راه پاسداری از میراث گران بهای فردوسی متقبل شده یک لحظه حنا دست از مبارزه بر نداشت. استاد نیای بی بدیل مبارزات فرهنگی در روزگار ما پنداشته می شود که روح جوان مردش شادباد و خدایش بیامرزد!

من او را چنان پداری دلسوز، احترام ورزیده، دوست می داشتم، خبر مرگ او از تکان دهنده ترین خبرها برایم بود و از این بابت سخت اندوهگینم! انالله و انالیه راجعون!

افشای اسناد مربوط به بن لادن و نگرانی هایش از کمرنگ شدن القاعده

بر اساس اسناد فاش شده توسط سازمان سیا، ماه ها پیش از مرگ بن لادن، او از بی تحملی و تاکتیک های خشونت آمیز القاعده و کمرنگ شدن نقش آن ابراز نگرانی کرده بود.

بر اساس اسناد منتشر شده که به هنگام عملیات ارتش امریکا از محل مخفیگاه اسامه بن لادن، رهبر پیشین القاعده در پاکستان کشف شد، او تلاش می کرد که نیروهایش را در خط مشی اصلی این گروه مبنی بر جنگ در برابر امریکا حفظ کند. این اسناد که توسط دستگاه اطلاعاتی امریکا منتشر شد همچنین حاوی جزئیاتی درباره مذاکرات انجام شده میان القاعده با دیگر شاخه های این گروه در کشورهای دیگر است.

هم چنین بن لادن توجه ویژه یی بر عملکرد گروه القاعده در یمن داشت. او در نامه به رییس القاعده در یمن، به او هشدار داده بود که در برابر دولت یمن عجولانه وارد عمل نشود، زیرا شرایط چندان برای تأسیس "دولت اسلامی" مورد نظر آنان فراهم نیست.

بر اساس یکی از نامه های به دست آمده که تاریخ آن مربوط به ماه جولای سال ۲۰۱۰ است، بن لادن تلاش می کرد، القاعده در یمن را تحت فشار قرار دهد تا با دولت یمن صلح و تمرکز خود را به مبارزه با امریکا معطوف کند.

القاعده در شبه جزیره عرب، شاخه القاعده مستقر در یمن است که توسط مقامات امریکا به عنوان شاخه یی که بیشترین تهدید برای سرزمین امریکا محسوب می شود، توصیف شده است.

بر اساس نامه های منتشر شده که بیشتر آن ها در سال ۲۰۱۰ به نگارش در آمده است، بن لادن تلاش کرده که پیروان خود را به این سمت وسو سوق دهد که امریکا دشمن آنان است. او در نامه یی اعلام کرده است که دشمنان امت اسلامی همانند یک درخت فاسد و شیطانی هستند که تنه اصلی آن را امریکا تشکیل می دهد. هم چنین در نامه های افشاشده، بن لادن به انور العولقی، یکی از نیروهای ارشد القاعده که متولد امریکا در یمن بود، اشاره شده است، او برای اثبات خود می بایست مورد امتحان القاعده قرار گیرد.

بن لادن در نامه یی گفته است: ما در این جا به کسانی اعتماد می کنیم که آنان را به خطوط مقدم اعزام کرده و مورد امتحان قرار دهیم.

العولقی امام جماعت یک مسجد در حومه ویرجینیای واشنگتن بود. او پس از حملات یازدهم سپتامبر به یمن گریخت و در سال ۲۰۱۱ در حملات هواپیماهای بدون سرنشین امریکایی کشته شد.

قریب به ۴۰۰ هزار کودک آواره سوری در ترکیه محروم از آموزش هستند

بر اساس گزارش آژانس کودکان سازمان ملل (یونیسف)، مشخص شد که بیش از ۴۰ درصد از کودکان آواره سوری در ترکیه یا ۴۰۰ هزار تن از آنان محروم از آموزش هستند و خطر تبدیل شدن به "نسل گم شده" آنان را تهدید می کند. یونیسف در گزارش خود آورده است، با وجود ثبت نام ۵۰ درصدی کودکان آواره سوری در ترکیه در مدارس در جون سال ۲۰۱۶، قریب به ۴۰۰ هزار تن از آنان از آموزش محروم هستند و نمی توانند در مدرسه ها آموزش ببینند.

جاستین فورسیس، معاون مدیر اجرایی یونیسف، ترکیه را به خاطر دستاوردهای "خوبش" ستود، اما گفت که کارهای بیشتری باید انجام شود.

او در بیانیه یی اعلام کرد: برای بهتر کار کردن و رسیده گی بهتر به کودکان آواره سوری، باید منابع بیشتری تأمین و در نظر گرفته شود. اگر به این کودکان رسیده گی نشود، نسلی گم شده به وجود می آید که آینده و مهارتی ندارند که بتوانند کشورشان را بسازند.

او پس از بازدید از جنوب ترکیه که صدها هزار تن از آواره های سوری در آن زنده گی می کنند، این صحبت ها را مطرح کرد.

انقره می گوید ۲،۷ میلیون آواره سوری در کشور هستند که ۱،۲ میلیون تن از آنان را کودکان تشکیل می دهند.

قریب به ۱۸۰ هزار کودک نیز در بازه زمانی اپریل ۲۰۱۱ تا سپتمبر ۲۰۱۶ در این کمپ ها و از خانواده های سوری به دنیا آمده اند.

اوایل ماه جاری میلادی رجب طیب اردوغان، رییس جمهور ترکیه گفته بود که آواره گاه سوری و عراقی دارای مهارت در حال حاضر در بازار سیاه کار می کنند و اگر آزمون های امنیتی را بگذرانند، به آنان شهروندی داده می شود.

علی عسکر لعلی:

انتخابات ریاست فدراسیون ها

به زودی برگزار می گردد



فدراسیون فوتبال کشور در اواسط ماه مارچ و اپریل سال میلادی، انتخابات ریاست آن فدراسیون را در موجودیت و تاییدی نماینده فیفا یا فدراسیون بین المللی فوتبال جهان برگزار می کند.

علی عسکر لعلی، کمک مربی پیشین تیم ملی فوتبال افغانستان به رادیو آشنا گفت که سه تاریخ، پانزدهم مارچ، پنجم و پانزدهم اپریل از سوی فدراسیون فوتبال به فیفا پیشنهاد شده تا یکی از این تاریخ ها را برای برگزاری انتخابات فدراسیون فوتبال افغانستان، تعیین کند.

از میعاد برگزاری انتخابات فدراسیون فوتبال افغانستان بیش از چهار ماه گذشته و کرام الدین کریم، رییس فعلی فدراسیون فوتبال افغانستان می باید پیش از این زمان برگزاری انتخابات فدراسیون را اعلام می کرد. اما او در یک رویداد کمتر قابل پیش بینی، علی عسکر لعلی و تیمش که از نامزدهای بالقوه ریاست فدراسیون بود، با تیم آقای کریم ائتلاف کرد.

علی عسکر لعلی گفت: "عمده ترین دلیل ائتلاف من با تیم فدراسیون فوتبال افغانستان، عدم ایجاد بی نظمی در ساختار نیمه منظم فدراسیون بود."

این ائتلاف در حالی صورت می گیرد که برخی از روسای فدراسیون های ولایات از نحوه کار کرده گی فدراسیون فوتبال افغانستان رضایت نداشته و از حضور بیش از یک ونیم دهه یی آقای کریم در پست ریاست فدراسیون فوتبال افغانستان اعتراض داشتند.

اما از گفته های آقای لعلی بر می آید که یکبار دیگر کرام الدین کریم خود را در پست ریاست این فدراسیون نامزد کند.

در جریان صحبت که تیم آقای لعلی با کرام الدین کریم، رییس فعلی فدراسیون فوتبال افغانستان داشته، به گفته او، روی این نکات توافق صورت گرفته است.

- تغییر کلی در ساختار تیم های ملی فوتبال افغانستان
- تغییر کلی در اساسنامه فدراسیون فوتبال افغانستان، قبل از انتخابات سال ۲۰۱۷

- سهیم ساختن ولایات در تصامیم مربوط به فوتبال افغانستان و سهم بارز آنان در کمیته های مختلف برای رشد فوتبال.

- توجه ویژه روی باشگاه های فوتبال در افغانستان با تدویر لیگ های محلی و ملی

- نقش مستقیم مجمع عمومی فدراسیون های فوتبال افغانستان در تصمیم گیری ها

- ایجاد اکادمی های فوتبال جوانان و نوجوانان برای ایجاد زیربنای ورزشی تیم های ملی

تعهدات به انجام این برنامه ها در حالی داده می شود که تیم ملی فوتبال افغانستان بدون سرمربی به سر برده و قرار است به زودی وارد رقابت های راهیابی به جام ملت های آسیا گردد.

علی عسکر لعلی گفت که سه مربی تاکنون از میان تعدادی از مربیان انتخاب شده و قرار است به زودی نام های شان اعلام گردد. عمده ترین چالش را آقای لعلی "مشکلات امنیتی و عدم آماده گی حضور فزیکری مربیان در کابل" عنوان کرد.

پس از سقوط رژیم طالبان در ۲۰۰۱ میلادی، فیفا توجه ویژه یی را در قبال فدراسیون و فوتبال افغانستان مبذول داشت، اما کارشناسان و پیش کسوتان عرصه فوتبال افغانستان می گویند: "به خاطر عدم کارایی و کمبود ظرفیت های فعال در فدراسیون، بیشتر آن فرصت ها ضایع گردید" و اکنون پس از ۱۵ سال افغانستان قادر به تشکیل یک تیم قدرتمند ملی از ورزشکاران داخل افغانستان نگردیده و بیشتر بر بازیکنان افغانستان ساکن در اروپا و امریکا اتکا دارد.

از پنج سال به این سو "لیگ فوتبال روشن" پس از انتخاب بازیکنان از ولایات مختلف به شکل یک تورنمنت در شهر کابل برگزار می گردد که به باور نعیم کامل مربی فوتبال افغانستان در کانادا "نمی تواند نیازمندی ورزشکاران و فوتبال دوستان را برآورده سازد."

Mandegar

رأی زنی پدر طالبان با اشرف غنی



مولانا سمیع الحق سیاستمدار پاکستانی و رهبر حزب جمعیت علمای اسلام شاخه سمیع که پدر معنوی طالبان معروف است، با اشرف غنی رییس جمهوری افغانستان، درباره راه‌های کمک به برقراری صلح در افغانستان گفت‌وگوی تلفنی کرد. عمر زاخیلوال سفیر افغانستان در اسلام آباد روز جمعه در این باره به ایرنا گفت که این تماس تلفنی، همزمان با ملاقات روز گذشته وی با مولانا سمیع الحق و در حضور او انجام شده است. در جریان دیدار سفیر افغانستان در پاکستان با مولانا سمیع الحق در مدرسه دارالعلوم حقانیه متعلق به این چهره مذهبی-سیاسی پاکستان واقع در شهر آکوره ختک، زاخیلوال زمینه گفت‌وگوی تلفنی پدر معنوی طالبان و اشرف غنی را فراهم کرد. این دومین دیدار سفیر افغانستان با پدر معنوی طالبان در مدرسه وی در چند ماه اخیر محسوب می‌شود.

سمیع الحق و اشرف غنی در گفت‌وگوی تلفنی خود که ۳۰ دقیقه به طول انجامید، درباره راه‌های بازگرداندن صلح در افغانستان تبادل نظر کردند. رییس جمهوری افغانستان از مولانا سمیع الحق به عنوان شخصیت معنوی طالبان و یک چهره قابل احترام نزد ملت افغانستان توصیف کرد و گفت:

پدر معنوی طالبان همیشه خواستار برقراری صلح در افغانستان بوده است. مولانا سمیع الحق نیز با تأکید بر ارتقای صلح و ثبات هم در افغانستان و هم در پاکستان، گفت که رهبران افغانستان برای رسیدن به هدف صلح در کشور باید نقش فعال تری ایفا کنند.

وی افزود: فداکاری مردم افغانستان برای صلح در کشورشان نباید از بین برود، بلکه دولت و مردم افغانستان باید خود را از نیروهای خارجی مستقر در این کشور جدا کنند. پدر معنوی طالبان همچنین از حسن نیت خود و آماده‌گی برای ایفای نقش در مسیر از بین بردن

تنش میان دولت کابل و طالبان خبر داد. وی همچنین از دولت های پاکستان و افغانستان نیز خواست تا اختلافات خود را از طریق گفت و گو و رایزنی حل و فصل کنند.

مولانا سمیع الحق در این تماس تلفنی، نسبت به گسترش نفوذ هند در افغانستان نیز ابراز نگرانی کرد.

با این حال سفیر افغانستان اعلام کرد: رهبران طالبان باید گام‌های رو به جلو بردارند و با دولت، پای میز مذاکره بنشینند.

ملاقات زاخیلوال با سمیع الحق و تماس تلفنی این شخصیت مذهبی-سیاسی پاکستانی مورد قبول طالبان و دولت افغانستان، در شرایطی انجام شده است که تنش‌ها میان کابل و اسلام آباد پس از تشدید حملات تروریستی اخیر در افغانستان، بحرانی تر شده و افغانستان از جمله در روزهای اخیر، پاکستان را به حمایت و پناه دادن به تروریست‌هایی متهم کرد که با استفاده از موقعیت امن خود در خاک پاکستان، دست به حملات تروریستی علیه افغانستان می‌زنند.

نفس زکریا سخنگوی وزارت امور خارجه افغانستان روز گذشته در نشست خبری هفتگی خود، این اتهامات و ادعاهای مطرح شده از سوی مقامات کابل را بی اساس و آن را به ضرر تلاش‌ها برای صلح افغانستان دانست.

سازمان همکاری اسلامی در پی نجات مسلمانان روهینجا



وزرای خارجه کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی در بیانیه پایانی نشست فوق‌العاده خود در مالزی با تأکید بر لزوم محاکمه عاملان خشونت‌ها علیه مسلمانان روهینجا در میانمار و تلاش برای توقف اقدامات آنها در راستای نابودی فرهنگ و هویت مسلمانان روهینجا، از دولت میانمار خواستند اقدامات جدی را برای توقف خشونت‌ها و تبعیض علیه این اقلیت مسلمان در پیش گیرد و به تعهدات خود نسبت به این اقلیت طبق آنچه در قوانین بین‌المللی آمده، پایبند باشند.

در بیانیه پایانی وزرای خارجه کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی که پس از نشست فوق‌العاده‌شان به ریاست مالزی در شهر کوالالامپور منتشر شد، آنها ضمن ابراز نگرانی شدید نسبت به افزایش خشونت‌ها در شمال ولایت راکین در میانمار که منجر به کشته شدن صدها مسلمان و آوارگی ده‌ها هزار تن از آنان شده، تأکید کردند که دولت میانمار باید ضمانت دهد که نیروهای امنیتی این کشور طبق قوانین این کشور و قوانین بین‌المللی انسانی و حقوق بشر برخورد کرده و تمامی اقدامات لازم برای توقف خشونت‌ها و تبعیض انجام می‌گیرد. در ادامه این بیانیه از دولت میانمار خواسته شده عوامل اصلی مصائب و مشکلات اقلیت روهینجا را از بین ببرد و اقدامات سازنده‌ای برای مقابله با وخامت بحران انسانی در استان راکین در پیش گیرد.

همچنین در این بیانیه بار دیگر از دولت میانمار خواسته شد تابعیت مسلمانان روهینجا را که به موجب قانون سال ۱۹۸۲ از آنان سلب شد، به آنها بازگرداند.

در بیانیه مذکور از تلاش‌ها و اقدامات کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی برای ارائه کمک‌های بشردوستانه به گروه‌های انسانی آسیب دیده تقدیر شده و



افزایش ناامنی‌ها و ترور در هلمند

برخی از بانوان در ولایت هلمند که در صفوف پولیس ملی وظیفه اجرا می‌کنند با نگرانی از بدتر شدن وضعیت امنیتی و افزایش قتل و ترور پولیس‌های زن در این ولایت می‌گویند که اگر امنیت جانی‌شان تضمین نشود، وظایف‌شان را ترک خواهند کرد.

آمنه یکتن از پولیس‌های زن در شهر لشکرگاه در گفت‌وگویی به سلام‌وطندار می‌گوید، در سال‌های پسین ۶ تن از همکارانشان که زن بودند از سوی افراد ناشناس کشته شدند، اما تاکنون عاملان این رویدادها گرفتار نشده‌اند. بی‌بی حکیمه، پولیس دیگری در این ولایت است، او می‌گوید، اگر وضعیت این گونه ادامه یابد و حکومت پرونده‌های قتل زنان پولیس را بررسی نکند، بیشتر هم مسلکانش حاضر اند که وظایف‌شان را ترک کنند.

ماللی، فرمانده گروه ۵۰ نفری بانوان پولیس در این ولایت می‌گوید، بانوان پولیس در این ولایت مشکلات زیادی دارند، اما این به معنای آن نیست که پولیس‌های زن وظایف‌شان را ترک کنند. او می‌گوید، اگر حکومت در بخش تأمین امنیت این ولایت توجه بیشتر کند، زنان زیادی حاضر اند که به پولیس بپیوندند.

اما آقانور کیتوز، فرمانده پولیس هلمند این ادعاهای پولیس‌های زن را رد کرده می‌گوید، بیشتر آنان به علت فشارهای خانواده‌گی وظایف‌شان را ترک می‌کنند.

هم‌اکنون حدود ۵۰ زن در صفوف پولیس ولایت هلمند وظیفه اجرا می‌کنند. این بانوان هشدار می‌دهند که اگر وضعیت امنیتی این ولایت بهتر نشود آنان وظایف‌شان را ترک خواهند کرد.

پیش از این نیلوفر رحمانی، یگانه بانوی جوان خلیان افغان نیز به علت ناامنی و تهدیدات جانی برای خود و خانواده‌اش در آمریکا درخواست پناهنده‌گی داده است.

رتبه از گروه‌های تماس سازمان همکاری اسلامی جهت بازدید از استان راکین و گفتگو با مسئولان بومی و گروه‌های آسیب دیده روهینجایی تأکید کرده و از دبیرکل این سازمان خواستند طرح‌های مشترکی را با هم‌تایان خود در سازمان ملل و سازمان آ.سه.آن در راستای حمایت از دولت میانمار جهت برنامه‌ریزی و اجرای گفتگوهای میان گروه‌های مذهبی و گروه‌های مردمی در این کشور و به شکل کلی در منطقه جنوب شرق آسیا آغاز کنند.

این وزرا از گروه‌های سازمان همکاری اسلامی در نیویورک، ژنو و بروکسل نیز خواستند با پیگیری تحولات میانمار به دنبال راهکارهایی برای ارتباط پایدار با میانمار، سازمان ملل، اتحادیه اروپا و دیگر نهادهای بین‌المللی باشند.

آنان در ادامه از هیات مستقل حقوق بشر در سازمان همکاری اسلامی خواستند مساله مسلمانان روهینجا را در اولویت دستور جلسه این سازمان و در دست بررسی قرار دهد.

از جامعه جهانی و این کشورها دعوت شده به حرکت خود در این مسیر ادامه دهند. همچنین در بیانیه یاد شده با تأکید بر اهمیت میانه‌روی به عنوان یکی از اصول مبارزه با تمامی اشکال افراط‌گرایی، از دولت میانمار خواسته شده شرایط لازم برای بازگشت صلح و دوستی میان گروه‌های مردمی از طریق گفتگو و یک اقدام ملی همه‌جانبه با حضور همه گروه‌های مردمی را فراهم کند. وزرای خارجه کشورهای شرکت‌کننده در این نشست ادامه مشارکت اعضای سازمان در پرداخت هزینه‌های سنگین حمایت و میزبانی از آوارگان روهینجایی را خواستار شده و از دولت میانمار خواستند سیاست شفافیت را در مورد گروه‌های نژادی و مذهبی در پیش گرفته و طبق قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل و نیز قطعنامه‌های شورای امنیت در این رابطه، آنها را به عنوان بخشی جدا نشدنی از جامعه در روند صلح مشارکت دهد.

آنان در ادامه بر قصد خود برای هماهنگی با دولت میانمار در زمینه اعزام هیات‌های عالی